

تفسیر مفهوم شهروند در قوانین ایران

مصطفی سروی مقدم*

استادیار گروه حقوق دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

چکیده

اصطلاح "شهروند ایران" تا حدود دو دهه اخیر فاقد سابقه در قوانین و ادبیات حقوقی ایران بوده و حتی طرف ایرانی دیوان داورى دعاوى ایران - آمریکا در دهه ۱۳۶۰ وجود آنرا در حقوق ما رد نمود. اما در دو دهه اخیر اصطلاح مزبور کلید واژه تعدادی قوانین و مقررات مختلف گشته و سونامی‌وار در سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های رسمی، رسانه‌ها و نشریات هم بشدت تاخت و تاز دارد، البته بدون اینکه از لحاظ حقوقی مفهوم، مصداق و رابطه دقیق آن با تابعیت عاری از ابهام و پیچیدگی باشد.

هدف این تحقیق بررسی موضوع و شفاف‌سازی مفاهیم و مصداق "شهروند ایران" نخست، با تقسیم مصداق آن به عناوین "شهروند ملی و فراملی" و "شهروند محلی و فرامحلی"؛ و بعد، تعیین حقوق قانونی هر گروه در مقایسه با دسته دیگر بوده، که آثار اجرای آن به کمک یک روش نوآورانه تحلیلی-توصیفی، مشابه توصیفات در علم تعارض قوانین، به رفع یا تقلیل نسبی ابهام از موارد مبهم مطرحه منجر می‌گردد.

واژگان کلیدی: مصداق مبهم شهروندان ایران، تفسیر ویژه قوانین، تقسیمات حقوق شهروندی.

مقدمه

در حقوق کلیه کشورها حقوق اتباع اصولاً متفاوت از حقوق بیگانگان در آن کشورها می‌باشد، و برای تمیز قانونی آنان از یک‌دیگر، از اصطلاحات مختلفی مثل "تبعه"، "شهروند" یا از هر دو استفاده می‌شود. در مهمترین قوانین ایران، چون قانون اساسی و قانون مدنی صرفاً از لفظ تبعه استفاده شده، بدون آنکه از شهروند نامی در میان باشد. لیکن در دو دهه اخیر کلمه شهروند و مشتقات آن، علیرغم فقدان هر گونه سابقه در قوانین و ادبیات حقوقی ایران، وارد تعدادی از قوانین و مقررات گردیده و سونامی‌وار در سخنرانی‌ها، اعلامیه‌های رسمی، رسانه‌ها و کتب رونق یافته است، البته بدون اینکه از لحاظ حقوقی مفهوم، مصداق و رابطه دقیق آن با تابعیت عاری از ابهام باشد.

از علل این ابهام منسجم نبودن هدف قانونگذاری از شهروند در زمان تصویب قوانین و مقررات جدید نام‌برده شده؛ زیرا گاهی منظور از شهروند تبعه ایران، گاه دیگر اعم از اتباع ایران و خارجه، و بالاخره در اکثر موارد مطلق انسان، بوده است. لذا در رابطه با مفاد هر قانون و حتی هر ماده که در آن حقوق شهروندی بکار رفته، سوال واقعی مطرح در ذهن هر خواننده اینست که آیا منظور از آن تبعه ایران است یا تبعه خارجی یا مطلق بشر.

در این تحقیق با هدف رفع یا تقلیل ابهام مذکور به دو منشأ احتمالی خارجی و داخلی شهروند مراجعه شد. در حقوق آمریکا و فرانسه، به سبب فقدان سنخیت حقوق آنان با حقوق ایران ثمره‌ای حاصل نگردید. لذا، بناچار رجوع به حقوق داخلی، بویژه مواد مرتبط و استفاده از روش نوآورانه "تفسیر قانون به قانون"، بعنوان انسب روش برای احراز منظور مقنن در قوانین، تشخیص داده شد که در دو مرحله انجام گردیده است: در مرحله اول، طبقه بندی مصادیق "شهروندان ایران" در قوانین موجود به دو گروه عمده ایرانی و خارجی، جمعاً در چهار عنوان خاص، یعنی: (۱) "شهروند ملی" (بمعنی تبعه ایران)؛ (۲) "شهروند فراملی" (تبعه کشور خارجی، که تابعیت خارجی وی در قوانین قید شده، مانند دیپلمات‌ها)؛ (۳) "شهروند محلی" (تبعه کشور خارجی دارای قصد اقامت طولانی در ایران، چون دانشجویان خارجی دانشگاه‌ها)؛ و (۴) "شهروند فراملی" (تبعه کشور خارجی در حال گذر از ایران، نظیر جهانگرد).

در مرحله دوم، تعیین حقوق مشترک و نیز مستقل هر یک از گروه‌های چهارگانه، که طی پنج جدول در بخش پایانی این تحقیق دسته‌بندی و ارائه گردیده است.

مفهوم شهروند و سابقه آن در تاریخ حقوق ایران

بملاحظه اینکه مفهوم شهروند و حقوق شهروندی در دوره قبلی حقوق ایران (قبل از دو دهه اخیر) اصلاً شناخته شده نبود، لذا ضروری بنظر می‌رسد که نخست اشاره اجمالی به مفاهیم

تابعیت و شهروندی و نیز روابط بین آن دو داشته و آنگاه به بررسی فقدان شناسائی آن در دوره مذکور در ایران پرداخته شود.

۱-۱- مفهوم شهروندی و تابعیت و ارتباط بین آن دو

به ملاحظه اینکه اصولاً دولتها نسبت به اتباع یا شهروندان کشورهای دیگر ساکن یا مقیم در کشور میزبان حقوق و تکالیفی برابر با اتباع یا شهروندان خود قائل نمی‌شوند، و در مقابل آنان از برخی از تکالیف، نظیر انجام خدمت نظام وظیفه معاف می‌باشند (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ۲۳۴)، لذا وجود معیارهایی جهت تمیز افراد گروه بیگانه از اتباع خودی در هر کشور ضروری می‌باشد. برای این منظور، عمدتاً از مفهوم تابعیت، شهروندی و یا از هر دو آنها استفاده می‌گردد. البته میزان رویکرد به یکی از این دو تأسیس حقوقی و نیز مبنای آنها در حقوق کشورهای مختلف متفاوت است (دانش‌پژوه، ۱۳۸۱، ۳۶).

در هر نظام حقوقی اصولاً تعاریف خاصی از تبعه یا شهروند وجود دارد که ثمره آن مشخص شدن حقوق خاص اشخاص خودی از بیگانه خواهد بود. اما اصولاً طبق قوانین اکثر کشورهای مهاجرپذیر اطفالی که در خاک آن کشورها متولد شوند تحت شرایطی شهروند خودی تلقی می‌گردند. البته در بعضی از کشورها، مثل فرانسه و آمریکا، از هر دو معیار شهروندی و تابعیت با هم، ولی هر یک با جایگاه عالی و متوسط استفاده می‌گردد. گرچه در دو نظام حقوقی مذکور شهروند و تبعه مترادف هستند، اما شهروند صرفاً در حقوق داخلی و تبعه در سطح بین‌المللی کاربرد دارد (Sorensen, 1968, 472). مضافاً، در آمریکا شهروند از کلیه حقوق اجتماعی قابل تصور برخوردار می‌باشد، در حالی که برخی از اتباع آن کشور دارای حقوق بسیار اجتماعی اندکی است، حتی برخی از آنان بدون مجوز حق ورود به خاک اصلی آمریکا را نداشته و نمی‌توانند در انتخابات ریاست جمهوری هم شرکت کنند (Ibidem).

البته عبارت حقوق شهروندی دارای یک مفهوم مطلق حقوق ناشی از حقوق بشری هم می‌باشد، که در آن هیچگونه رابطه بین دولت خاص و شهروند مطرح نیست. نتیجه اینکه از مفاهیم مزبور هیچ تعریف، مبنا و قلمرو متحدالشکلی دیده نمی‌باشد (الماسی، ۱۳۸۵، ۲۴۰). لذا، برای تشخیص رابطه آنها لازم است حقوق هر کشور، مستقلاً مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۲- فقدان سابقه تاریخی از شهروند در حقوق ایران

در تاریخ ادبیات حقوقی ایران، علاوه بر تابعیت الفاظ دیگری هم نظیر رعیت، سکنه، اهالی و غیره کاربرد داشته، اما کلمه شهروند وجود نداشته است. از این واژه نه تنها هیچ آثاری در قوانین سابق دیده نمی‌شود (احمدی و استانی، ۱۳۶۳، ۵۵)، بلکه در فرهنگ‌های لغت مهم فارسی، بویژه لغتنامه دهخدا و حتی ترمینولوژی حقوق هم مدخلی وجود ندارد.

در قوانین اساسی جمهوری اسلامی و مشروطیت و نیز در قانون مدنی و حتی در مشروح مذاکرات مجلس مربوط به قوانین مرتبط هیچ اصطلاح حقوقی شبیه شهروند بکار نرفته است. با توجه به اصل آزادی دولت‌ها در تقنین برای اتباع خود (سلجوقی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۲۳)، مقنن ایران برای مثال، در اصول ۴۱، ۴۲ و ۱۱۵ قانون اساسی و در ۷ بند ذیل ماده ۹۷۶ قانون مدنی، صرفاً از لفظ تبعه و تابعیت استفاده نموده است. این دال بر آن است که افراد با عنوان غیر از تبعه، از جمله شهروند، اصولاً بیگانه تلقی خواهند شد.

در سال ۱۳۶۱ دولت ایران در دیوان داوری ایران- ایالات متحده در لاهه در مقام تفسیر مواد ۲(۱) و (الف) ۷(۱) بیانیه حل و فصل دعاوی طی لایحه دفاعیه مربوط به پرونده الف ۱۸، با انکار وجود عنوان شهروند (Citizen) در حقوق ایران، چنین عنوانی را مفهوماً با اصطلاح "تبعه" در فارسی متفاوت اعلام نمود (خلیلیان، ۱۳۸۲، ۴۶؛ آلکجیاف، ۱۳۸۹، ۱۷). مضافاً، اخیراً هیئت دولت پیشنهاد لایحه‌ای را که در آن شهروند با تبعه بصورت مترادف بکار رفته بود، قبل از تقدیم به مجلس، از جریان خارج نموده است (کاظمی، ۱۴۷، ۱۳۸۸).

۲- پیدایش مفهوم شهروند در حقوق ایران در بخش حاضر به پیدایش سونامی وار مفاهیم "شهروند و شهروندی" در حقوق ایران پرداخته می‌شود، که بیشتر از ده فقره قوانین و مقررات مختلف را در ظرف کمتر از دو دهه به شرح ذیل شامل می‌گردد:

الف- آیین نامه تعزیرات حکومتی در شهرداری‌های کشور در خصوص شهروندان و کارکنان، مصوب ۱۳۷۶/۳/۲۵؛ ب- قانون معاهده اساس روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه مصوب ۱۳۸۰/۱۰/۱۶ مجلس شورای اسلامی؛ ج- ظاهراً نخستین بخشنامه قضائی در این زمینه بخشنامه ۱۳۸۳/۱/۲۰ ریاست قوه قضائیه می‌باشد؛ د- لایحه قانون حقوق شهروندی و تأسیس نهاد ملی دفاع از حقوق شهروندی ۱۳۸۳، تهیه شده در دفتر پژوهش و اطلاع رسانی ریاست جمهوری؛ ه- قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۳ مجلس شورای اسلامی؛ و- دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون اخیر مصوب ۸۳/۸/۳۰؛ ز- قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱ مجلس شورای اسلامی؛ ح- آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی مصوب ۸۴/۹/۲۰ قوه قضائیه؛ ط- آیین نامه اجرایی ۱۳۸۵/۸/۳۰ در نحوه اداره بازداشتگاه‌های امنیتی مصوب رییس قوه قضائیه؛ ی- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۷/۱۶ (ر.ک.: کاظمی، ۱۳۸۸، ۱۴۸-۱۳۹).

غیر از موارد فوق، چند طرح و لایحه مرتبط با این مقوله هم مطرح است (همان)، که برای اجتناب از اطاله کلام از بیان آنها خوداری می‌گردد.

منشأ شهروند و علل ابهام در قوانین جدید

در این بخش دو موضوع خاص نیازمند بررسی است، یکی عوامل موثر در پیدایش مفهوم شهروند در حقوق جدید ایران، یعنی منشاء خارجی یا داخلی بودن آن، جهت شناخت منشأ ابهامات؛ و دیگری علل موثر در پیچیدگی مصادیق و مفاهیم شهروند و شهروندی، که ذیلاً در دو بند به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۳- منشأ و عوامل ورود مفهوم شهروند به حقوق ایران

امکان اینکه بتوان منشأ و عوامل پیدایش مفهوم شهروند در حقوق ایران را برای تشخیص منشأ ابهامات آن دقیقاً داخلی تلقی کرد، بعید بنظر می‌رسد؛ زیرا اولاً، این واژه فاقد سابقه در ادوار مختلف در ادبیات حقوقی ایران و نیز در فرهنگ‌های حقوقی و لغت فارسی می‌باشد؛ ثانیاً، در حقوق فعلی ایران هم هیچ تعریف جامع و بدون ابهامی از نهاد نوین مزبور مشاهده نمی‌گردد؛ ثالثاً، مشروح مذاکرات مجلس هم به سبب فقدان هدف واحد از آن در لوایح، قوانین و مقررات مختلف، راه بجائی ندارد. اما برای دخیل شناختن منشأ و عوامل خارجی در این امر نکات قابل بررسی وجود دارد. زیرا اولاً، تأثیرات پیدایش و توسعه پدیده‌هایی چون جهانی شدن، دهکده جهانی همراه با انفجار اطلاعات در دوره اخیر، صرفنظر از آثار مثبت یا منفی آنها، در حقوق و فرهنگ کشورها غیر قابل انکار می‌نماید (Ford, 2001, 212-215)، و شاید بتوان، یا باید آنرا یک سونامی فرهنگی - حقوقی نامید. ثانیاً، امروزه ایران به دلایل متنوع در مسیر و معرض جریان چنین سونامی قرار دارد. البته، در رابطه با آثار سونامی فرهنگی - حقوقی مطروحه باید به دو صفت تخریب ناگهانی نهادها و استحکامات سابق، از یک طرف، و ضرورت عنایت بایسته بر پاکسازی و بسترسازی محیط برای ایجاد استحکامات نوین فرهنگی و حقوقی متناسب با عوامل مختلف بومی، از طرف دیگر، توجه خاصی مبذول داشت.

۲-۳- عوامل موثر در پیچیدگی مفهوم شهروند

از علل و عوامل موثر در مبهم بودن مصادیق شهروند و بتبع آن حقوق شهروندی اینست که آن مفهوم در قوانین جدید با معانی و مفاهیم متعددی بکار رفته، و تعریف رافع ابهام هم در آن‌ها مشاهده نمی‌گردد. به ملاحظه همین ابهام، راجع به معنی و مفهوم شهروند و حقوق شهروندی طی مصاحبه‌هایی نظرخواهی شده که در اینجا بطور خلاصه به پاسخ‌های مطرح شده اشاره می‌شود: (۱) گروهی معتقد بودند که حقوق شهروندی همان حقوقی است که در فصل سوم قانون اساسی تحت عنوان حقوق ملت برای افراد ملت به رسمیت شناخته شده؛ (۲) جمعی بر این باور بودند که حقوق شهروندی همان حقوقی است که در قوانین برای اتباع ایران منظور شده؛ (۳) دسته‌ای معتقد به تعلق حقوق شهروندی به کلیه سکنه ایران، اعم از تبعه ایران و غیر آن بودند؛ (۴) گروهی دیگر حقوق شهروندی را بر برخورداری از حداقل حقوق اصحاب دعوا در دادرسی منصفانه دانسته‌اند؛ (۵) به نظر آخرین گروه هنوز چارچوب و بستر قانونی لازم برای

تحقق شهروندی و حقوق آن ایجاد نشده و نیاز به اصلاح و تصویب برخی قوانین در این زمینه وجود دارد (ر.ک: کاظمی، ۱۳۹، ۱۳۸۸، بنقل از دو ماهنامه حقوق شهروندی، پیش شماره اول، مهر و آبان ۱۳۸۲، مصاحبه حقوق شهروندی چیست؟ احتمال اشتباه در تاریخ اخیر وجود دارد).

با عنایت به اینکه علل اصلی مبهم بودن مصادیق شهروند اکثراً از قوانین، مصوبات و لوایح مزبور ناشی شده، لذا در زیر پاره‌ای از موارد حاوی شک و ابهام بررسی می‌گردد:

(۱) در ماده ۸ قانون معاهده اساس روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه مصوب ۱۶/۱۰/۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی از اصطلاحات خاص تسهیلات برای تبعه، یعنی "روادید برای شهروندان طرف دیگر" استفاده شده که به قرینه مشخص است که منظور از "شهروندان طرف دیگر"، تبعه می‌باشد؛

(۲) تأکید بر رعایت برخی "حقوق شهروندان"، خاصه متهمان در مراحل مختلف رسیدگی، صدور قرارها و اجرای حکم، بویژه رعایت موازین اسلامی موضوع بخشنامه ۱۳۸۳/۱/۲۰ ریاست قوه قضاییه دلالت بر حقوق مشترک بین اتباع ایرانی و خارجی دارد؛

(۳) قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی، حاوی مسائلی در زمینه حقوق و آزادی‌های شهروندان در امور قضایی و بویژه مفهوم کلی حقوق شهروندی، اما با خلاءهای خاص؛

(۴) دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون ۱۳۸۳ "احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی" و غیره که در آن هم هیچ تعریفی از مفهوم شهروند بعمل نیامده است؛

(۵) عدم پذیرش مفاد یک ماده با متن "کلیه اتباع ایران شهروندان ایران هستند و ... توسط هیات وزیران، مندرج در پیش‌نویس لایحه قانون حقوق شهروندی و تأسیس نهاد ملی دفاع از حقوق شهروندی ۱۳۸۳، که در دفتر پژوهش و اطلاع رسانی ریاست جمهوری تهیه شده بود لیکن نتیجتاً به مجلس شورای اسلامی ارسال نگردید (کاظمی، ۱۳۴۷، ۱۳۸۸)؛

(۶) در قانون ساختار نظام جامع، رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۲۱/۲/۸۳ مجلس، کلمه "شهروند" بارها بمعنی "تبعه ایران" بکار رفته، از جمله در تبصره ۳ ذیل ماده ۱، ماده ۷ و نیز تبصره ذیل آن. همچنین در تبصره ۴ ذیل ماده یک از عبارت "شهروندان خارجی مقیم جمهوری اسلامی ایران" استفاده شده است؛

(۷) در بین قوانین مورد بحث دو قانون در ما نحن فیه واجد اهمیت زیادی است، یکی قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳، و دیگری قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ۱۶/۷/۱۳۸۳ ایران، که مواد مختلف آن از دو لحاظ حائز تأکید است: نخست، استعمال اصطلاح "شهروند" به معنای "تبعه" مذکور در اصول ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی؛ دوم، علاوه بر موظف کردن قوای مجریه و قضائیه بر تهیه منشور و لایحه

حقوق شهروندی، تأکید بر حقوق شهروندی با مفهوم مختلف در مواد ۳۸، ۴۴، ۱۰۰، ۱۳۰ و ۱۹۱ (کاظمی، ۱۴۵، ۱۳۸۸-۱۴۳).

در پایان این بخش باید متذکر شد که چون با هر کیفیتی مفهوم شهروند و حقوق شهروندی از خارج وارد ادبیات حقوقی ایران گردیده، لیکن مفهوم و مصداق آنها در حقوق ما هنوز شفاف نیست، لذا برای حل این ابهام باید به بررسی موضوع در حقوق بعضی از کشورهای غربی پرداخته شود.

۴- سوابق شهروند در مغرب زمین

به ملاحظه اینکه از طرفی مفهوم شهروند یا شهروندی تا این اواخر در حقوق ایران شناخته نبوده، و از طرف دیگر، باید مصداق آن برای تفسیر و تعیین تکلیف قوانین مشخص گردد، لذا ضروری است قبل از چاره جوئی داخلی، به بررسی موضوع در نظام‌های حقوقی غربی بعنوان خاستگاه آن پرداخته شود (Walker, 1980, 220; Clarke, 1994, 37). در آن نظام‌ها برای شهروند مفاهیم و معانی متعددی دیده می‌شود، که یکی از آنها شبه تابعیت، و دیگری تحت عنوان سیتیزن یا سیتواین، بمعنی شهروند می‌باشد. این دو مفهوم با وجود مشابهت زیاد، در حقوق آمریکا و فرانسه دارای تفاوت‌های چشم‌گیری هستند که ذیلاً به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرند.

۴-۱- مفهوم شهروند در حقوق آمریکا

ذکر یک نکته بدو ضروری است که، برخلاف حقوق ایران که کلیه ایرانیان از هر جایگاهی صرفاً دارای عنوان تبعه بوده و از حقوق مساوی برخوردار هستند (اصل ۱۹ قانون اساسی)، در حقوق آمریکا، شهروند ایالات متحده (سیتیزن) و تبعه آن (نشنال) از دو حیث تفاوت دارند؛ یکی از جهت حوزه کاربردی، بدین معنی که شهروند در حقوق داخلی، اما تبعه در سطح بین‌المللی کاربرد پیدا می‌کند؛ دیگری از نظر دامنه مزایا و امتیازات اجتماعی و ملی این اختلاف گاهی در حدی است که شاید بتوان اولی را شهروند درجه یک، و دومی را شهروند درجه دو خواند. در این باره یک نویسنده حقوقی چنین می‌گوید: "... امروزه بیش از ۴۷۰۰۰ نفر از اهالی ساموای آمریکا تبعه ایالات متحده آمریکا هستند بدون آنکه شهروندان ایالات متحده (U.S. Citizens) باشند. آنان فاقد حقوق اجتماعی و سیاسی، چون شرکت در انتخابات، نظیر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا می‌باشند (Von Glahn, 1996, 147). البته سکنه جزیره قوام هم باید بر آن اضافه شود (Judith, 1987, 354). نویسنده دیگری در این مورد چنین می‌نویسد: "قانون مهاجرت و تحصیل تابعیت ۱۹۵۲ آمریکا مقرراتی در مورد افرادی که در جزایر آمریکائی ساموا و سوینز (American Samoa and Swains Islands) متولد می‌شوند دارد، که طبق آن، متولدین جزایر مزبور دارای عنوان "تبعه ایالات متحده آمریکا" هستند و نه "شهروندان ایالات متحده".

نتیجه اینکه آنان فاقد حق رأی دادن و نیز داشتن سمت در آمریکا می‌باشند. (Sorensen, 1968, 3-472).
 قانون مهاجرت و تابعیت ۱۹۵۲ آمریکا در بندهای ۲۱ و ۲۲ بخش ۱۰۱ از تیترا ۱، در تعریف متفاوت از نشنال و سیتیزن مقرر داشته که: "یک تبعه ایالات متحده آمریکا" کسی است که گرچه سیتیزن آمریکا نیست ولی سوگند وفاداری دایمی نسبت به آمریکا ادا کرده است" (See, Black's Law Dictionary, 1979, 923).

۴-۲- مفهوم شهروند در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه برای شناسایی اشخاص خودی یا افرادی که با آن کشور بنحوی ارتباط و علاقه‌ای دارند یا در آن زندگی می‌کنند چهار اصطلاح، یعنی سیتواین (Citoyen) یا شهروند، ناسیونال (National) یا تبعه، سوزه (Subjet) یا رعیت و رسورتیسان (Ressortissant) وجود دارد (کاتبی، ۱۳۶۳، ۳۰۶). گرچه حد و مرز دقیق هر یک از آنها حتی با وجود تغییرات مختلف قوانین تابعیت فرانسه در این رابطه کاملاً واضح نیست، مع الوصف در بین این اصطلاحات فقط دو مورد نخست، یعنی شهروند و تبعه با موضوع این مقاله مرتبط است (Wihtol, 1998, p149 et seq.) و چون رابطه بین شهروند و تبعه در فرانسه کمابیش مشابه آن دو مفهوم در حقوق آمریکا می‌باشد، لذا به ملاحظه فقدان فرصت برای شرح آن، نظر علاقمندان را به دیدن تفصیل موضوع از نگارنده در فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، سال ۱۳۸۳، شماره ۳ (۳۴ پیاپی)، صص ۱۲-۸، جلب می‌نماید.

در پایان این بخش، نتیجه‌ای که از آن حاصل می‌گردد اینست که رابطه متفاوت بین اصطلاحات شهروند و تبعه در حقوق آمریکا و مشابهت نسبی همان رابطه در بین شهروند و تبعه در حقوق فرانسه، به سبب فقدان سنخیت آنها (چند درجه‌ای بودن شهروند) با حقوق ایران (یعنی بدون درجه ۱ و ۲ بودن تابعیت برای همه ایرانیان)، فاقد راه حل مناسب برای حل ابهام از شهروند ایران می‌باشد.

۵- رفع ابهام از مفهوم و مصداق شهروند ایران

همانطوری که در بخش سوم ملاحظه شد، هدف مقنن از شهروند و تبعه آن حقوق شهروندی در قوانین جدید از نظر مصداق و مفهوم کاملاً مبهم است، زیرا گاهی منظور از شهروند تبعه ایران، گاه دیگر اعم از اتباع ایران و خارجه، و بالاخره در اکثر موارد مطلق انسان بوده است. از طرف دیگر معلوم شد که منشأ پیدایش شهروند در حقوق ما داخلی نبوده بلکه خارجی یا بین‌المللی بوده، که فاقد ثمره در حل ابهام بود. لذا، در این بخش، انطباق راه برای احراز نظر مقنن استفاده از روش استقرائی و تفسیر قانون به قانون قوانین مرتبط در حقوق کنونی و طبقه بندی آنها به شرح بخش حاضر دیده شد.

البته کاربردی کردن روش مذکور مستلزم دو اقدام است؛ نخست، تقسیم کل مصادیق شهروندان ایران به چهار دسته و تعیین عناوین خاص نسبت به هر یک، و بعد، تعیین حقوق هر یک از آنها تحت دو عنوان به شرح ذیل:

- (۱) تقسیم مصادیق شهروند به دسته‌های چهارگانه؛
- (۲) استقراء در قوانین و تعیین حقوق هر گروه از شهروندان.

۵-۱- تقسیم مصادیق شهروند به دسته‌های چهارگانه

دسته‌های مزبور با عناین خاص هر یک عبارتند از: (۱) "شهروند ملی" (بمعنی تبعه ایران)؛ (۲) "شهروند فراملی" (تبعه کشور خارجی، که تابعیت خارجی وی در قوانین قید شده، مثل دیپلمات، مأمور سیاسی و کنسولی)؛ (۳) "شهروند محلی" (تبعه کشور خارجی، نظیر پناهنده که سابقه سکونت در ایران دارد)؛ و (۴) "شهروند فراملی" (تبعه کشور خارجی در حال گذر از ایران، نظیر خلبان، مسافر).
البته ممکن است گاهی از "شهروند غیرملی" هم استطراداً برای مجموعه آحاد غیرایرانی، معادل بیگانگان، استفاده شود.

۵-۲- استقراء در قوانین و تعیین حقوق خاص هر گروه از شهروندان

در این قسمت به بررسی قوانین و مقررات و تعیین حقوق هر یک از مصادیق شهروندان چهارگانه پرداخته می‌شود. البته، در دو جدول ۱ و ۲، یعنی حقوق مشترک کل شهروندان، به مواد قوانین حقوق شهروندی جدید بخاطر ابهام در آنها اشاره نشده، اما تأثیرات مفاد آنها در مواد اختصاری مندرج در داخل پارانتزها لحاظ گردیده است. لازم است قبل از ملاحظه اختصارات داخل پارانتز برای سهولت یافتن مستندات مزبور، "اختصارات قوانین مستند در بخش ۵، مندرج در ابتدای فهرست منابع، دیده شود.

۵-۲-۱- حقوق شهروندی خصوصی-عمومی مشترک بین همه شهروندان

در قانون اساسی و سایر قوانین حقوق مشترک خصوصی و عمومی کثیری برای کل شهروندان - ملی و غیر آن شناخته شده، که در این جدول به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

مصونیت جان، مال و حیثیت شهروندان (ق.ا.ا.، ۲۲)؛ آزادی افراد از بازداشت، مگر بحکم قانون (ق.ا.ا.، ۳۲)؛ تساوی حقوق (ق.ا.ا.، ۱۹، ۲۰)؛ تساوی حقوق قانونی (ق.ا.ا.، ۱۹، ۳)؛ حق دادخواهی (ق.ا.ا.، ۳۴)؛ حق اقامت، مگر طبق قانون (ق.ا.ا.، ۳۳)؛ اصل برائت (ق.ا.ا.، ۳۷)؛ حفظ حرمت و حیثیت اشخاص متهم/مجرم (ق.ا.ا.، ۳۹)؛ ممنوعیت اضرار غیر (ق.ا.ا.، ۴۰)؛ اهلیت برای معامله (ق.م.م.، ۶، ۷، ۹۶۲)؛ اصل عطف به ماسبق نشدن قانون (ق.م.م.، ۴)؛ مستند و مستدل بودن آراء دادگاه (ق.ا.ا.، ۱۶۶)؛ مسئولیت قاضی در تقصیر یا اشتباه در قضاوت (ق.ا.ا.، ۱۷۱)؛ علنی

بودن دادرسی (ق.ا.ا.۱۶۵، ۱۶۸)؛ حقوق شهروندی صریح مندرج در مواد مرتبط در قوانین شهروندی جدید.

۵-۲-۲- حقوق شهروندی مشترک کل شهروندان در دادرسی کیفری-حقوقی

احترام به آزادی‌های مشروع (ق.ا.ا.۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۸)؛ اصل برائت (ق.ا.ا.۳۶، ۳۷؛ ق.م.م.ا.۱۲۵۷؛ ق.م.ا.۱۱، ۲)؛ منع تفتیش عقاید (ق.ا.ا.۲۳)؛ اصل حاکمیت قانون (ق.م.ا.۲)؛ حق دادخواهی (ق.ا.ا.۳۴، ۱۵۹؛ ق.آ.د.ک.م.۷۱)؛ حق دفاع (آ.ا.ح.ش.م.۳)؛ استقلال و بی طرفی قضات (ق.ا.ا.۱۵۸؛ ق.آ.د.ک.م.۴۶؛ ق.آ.د.م.م.۱۹۹، ۹۱)؛ اصل قانونی بودن جرم و مجازات (ق.ا.ا.۳۶؛ ق.م.ا.۲)؛ ممنوعیت بازداشت خودسرانه (ق.ا.ا.۳۷، ۳۲؛ ق.آ.د.ک.م.۱۸، ۲۲، ۲۴؛ ق.م.ا.۵۸۰)؛ ممنوعیت هتک حرمت اشخاص (ق.ا.ا.۳۹)؛ اصل عطف به ماسبق نشدن قانون (ق.ا.ا.۱۶۹؛ ق.م.م.ا.۴؛ ق.م.ا.۱۱)؛ اصل علنی بودن دادرسی (ق.ا.ا.۱۶۸، ۱۶۵؛ ق.آ.د.ک.م.۱۸۸)؛ مستند و مستدل بودن آراء دادگاه (ق.ا.ا.۱۶۶؛ ق.آ.د.ک.م.۲۱۴)؛ مسئولیت قاضی در تقصیر یا اشتباه در قضاوت (ق.ا.ا.۱۷۱؛ ق.آ.د.ک.م.۱۷۶)؛ حق تفهیم اتهام (ق.ا.ا.۳۲؛ ق.آ.د.ک.م.۱۲۹، ۱۳۲)؛ اخذ آخرین دفاع (ق.آ.د.ک.م.۱۹۳)؛ حق انتخاب وکیل (ق.ا.ا.۳۵؛ ق.آ.د.ک.م.۱۸۵، ۱۲۸؛ آ.ا.ح.ش.م.۳)؛ حق استفاده از معاضدت وکیل (ق.ا.ا.۳۵؛ ق.آ.د.ک.م.۱۸۶)؛ ممنوعیت شکنجه و اجبار بر شهادت، اقرار، سوگند (ق.ا.ا.۳۸؛ آ.ا.ح.ش.م.۹)؛ بی‌اعتباری اقرار و سوگند حاصل از شکنجه (ق.ا.ا.۳۸؛ آ.ا.ح.ش.م.۱)؛ حق برخورداری از عفو و تخفیف مجازات (ق.م.ا.۲۴)؛ حق آزادی اقامت، مگر به عنوان مجازات و به حکم قانون (ق.ا.ا.۳۳؛ ق.م.ا.۲۰)؛ حقوق شهروندی صریح مندرج در مواد مرتبط در قوانین شهروندی جدید.

۵-۲-۳- حقوق شهروندی مشترک رفاهی-اجتماعی جدیداً ایجاد شده

با عنایت به اینکه اخیراً در ایران خدمات رفاهی-اجتماعی مختلف جدیدی با استفاده از سوبسید یا غیر آن ایجاد گردیده که قبلاً کمتر وجود داشته یا در دسترس عموم نبوده است، و بهمین دلیل فاقد سابقه در قوانین بوده و تقریباً از موارد مستحدثه هستند، لذا، تکلیف حقوقی استفاده رایگان یا به بهای یارانه ای (سوبسید) از آن توسط شهروندان غیرملی، مخصوصاً در مقام تعارض نوبت استفاده از آن، چندان مشخص نیست. سوال اینست که در صورت پیدایش چنین سوال حقوقی، تکلیف چیست؟ بنظر می‌رسد که در این موارد هم، مثل حقوق خصوصی و عمومی مشترک فوق، اصل بر مشترک بودن آنها است، مگر مواردی که در قوانین استثنا شده باشد. بنابراین همه شهروندان در موارد مذکور در ذیل و نیز امثال آنها از حقوق مساوی و مشترک برخوردار خواهند بود:

حق تقدم طبق نوبت در استفاده از صندلی‌ها در وسائط نقلیه موتوری سوبسیدی چون: مترو، قطار، اتوبوس بی.آر.تی، اتوبوس شرکت واحد، تاکسی‌های خطی، ون-تاکسی‌های خطی؛ و نیز صندلی‌های جدیداً نصب شده جهت ارباب رجوع دربانک‌ها؛ صندلی جلوی تاکسی‌ها؛ وسائل ورزشی رایگان در بوستان‌ها و غیره. گرچه یارانه‌های نقدی هم جدیداً ایجاد شده، اما قانون آن را خاص شهروندان ملی قرار داده است.

۵-۲-۴- حقوق شهروندی انحصاری شهروندان غیر ملی

در این جدول به تعیین تعدادی از حقوق انحصاری شهروندان غیرملی (شهروندان فراملی، محلی و فراملی)، پرداخته می‌شود، حقوقی که اتباع ایران از آن‌ها محرومند؛ حق انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای منعقد در ایران در مواردی که طرفین آن شهروندان غیرملی هستند (ق.م.م. ۹۶۸)؛ حق تعیین قانون حاکم بر قراردادهای تجاری داخلی یا غیر تجاری بین‌المللی منعقد در ایران به شرط عدم شرکت شهروندان ملی در آن (مفهوم مخالف ق.د.ت.ب.م. (ب) ۱)؛ برخورداری از حاکمیت قانون دولت متبوع خود بر اهلیت و سایر عوامل احوال شخصیه در ایران (ق.م.م. ۷)؛ برخورداری از مزایای اعمال اهلیت معاملی خاص شهروندان ملی ایران در صورت ناقص بودن اهلیت طبق قوانین دولت متبوع خود (ق.م.م. ۹۶۲)؛ نکاح مسلمه ایرانی با غیر مسلم مطلقاً ممنوع است و نکاح او با تبعه خارجی مسلم هم منوط به اجازه از دولت ایران بوده (ق.م.م. ۱۰۵۹، ۱۰۶۰)، اما آن محدودیت شامل شهروندان غیرملی نبوده و آنان تابع قوانین دولت متبوع خود هستند (ق.م.م. ۷).

۵-۲-۵- حقوق انحصاری شهروندان ملی

در این جدول به تعیین تعدادی از حقوق انحصاری شهروندان ملی (اتباع ایران) در سه حوزه حقوقی خصوصی، عمومی و سیاسی/نظامی پرداخته می‌شود. البته بعضی از مصادیق بندها در تقسیمات آن اختلافی بوده و گاهی هم شرائطی چون شرط معامله بمثل در قوانین ممکن است وضعیت را تغییر دهد.

۵-۲-۵-۱- تعیین حقوق انحصاری شهروندان ملی در امور حقوقی

حق داشتن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و موسسات تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات؛ تملک اراضی مزروعی (ق.ا.م. ۸۱)؛ استفاده از مزایای قانون ثبت علائم و اختراعات (ق.ث.ع.ا.م. ۴)؛ دلالی (ق.ر.د.م. ۲)؛ قطع حقوق بازنشستگی در صورت ترک تابعیت یا قبول تابعیت کشور بیگانه (ق.ا.ک.م. ۵۷)؛ حق مطالبه تأمین از مدعی غیر ایرانی توسط مدعی علیه ایرانی، مگر تحت شرائط خاص (ق.آ.د.م.م. ۱۴۴)؛ تملک اموال غیر منقول منجر به سلطه (ق.ا.ا.ا. ۴۱)؛ ق.م.م. ۸)؛ املاک مزروعی (ق.ر.ا.غ.م.ا.خ.م. ۱)؛ قیم شدن برای محجور ایرانی (ق.ا.ح.م. ۶۱ طبق دکترین حقوقی)؛ حق شفعه (ق.م.م. ۹۶۱ طبق دکترین حقوقی)؛ حقوق ناشی از احوال شخصیه ممنوع طبق قانون سبب بر تبعه خارجه، مثل طلاق (ق.م.م. ۹۶۱)؛

تشکیل شرکت‌های بیمه (ق.ت.ب.م.ا.م.۳۵، مگر در مناطق تجاری-صنعتی)؛ مالکیت سهام بانک ایرانی (ق.پ.ب.ک.م.۳۱، مگر در مناطق آزاد تجاری-صنعتی).

۵-۲-۵-۲- تعیین حقوق انحصاری شهروندان ملی در حقوق عمومی
 استخدام بعنوان عضو هیات علمی دانشگاه (آ.ا.ه.ع.د.م.۵)؛ وکالت دادگستری (ق.و.م.۷؛ ل.ق.ا.ک.و.د.م.۱۰)؛ سردفتری و دفتر یاری اسناد رسمی و داوطلبی آنها (ق.د.ا.ر.م.۶؛ ق.د.ا.ر.ک.س.د.م.۱۲)؛ داوطلبی و اخذ پروانه کارشناسی رسمی دادگستری (ق.ک.ک.ر.د.م. (۱) ۱۵)؛ عضویت در هیات منصفه (ق.ه.م.م.۴)؛ استخدام جهت تصدی مشاغل در شرکت هواپیمایی ج.ا.ا. (هما) (آ.ا.م.ه.م.۹)؛ استخدام جهت تصدی مشاغل در شرکت خدمات هوایی کشور (آ.ا.م.ش.خ.ه.ک.م.۸)؛ کارگزاری بورس (ق.ت.ا.ب.م.۱۲)؛ داوطلبی تصدی سمت شهردار (آ.ش.ا.س.ش.م.۱)؛ داوطلبی استخدام در شهرداری تهران (آ.ا.ش.ت.م.۶)؛ داوطلبی استخدام رسمی (ل.ق.ا.ر.م.۱۴)؛ داوطلبی استخدام پیمانی (آ.ا.پ.م.۱۰)؛ استخدام ثابت در سازمان بیمه‌های اجتماعی (آ.ا.س.ب.ا.م.۶)؛ ورود به خدمت ثابت بیمه مرکزی ایران (آ.ا.ب.م.ا.م.۷)؛ تشکیل شرکت‌های بیمه (ق.ت.ب.م.ا.م.۳۵، مگر در مناطق تجاری-صنعتی)؛ تملک اموال غیرمنقول که باعث سلطه گردد (ق.ا.ا.ا.۴۱ (۸)؛ ق.م.م.۸)؛ مالکیت سهام بانک ایرانی (ق.پ.ب.ک.م.۳۱، مگر در مناطق آزاد تجاری-صنعتی).

۵-۲-۵-۳- حقوق انحصاری شهروندان ملی در حقوق سیاسی/نظامی

حق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، اعم از انتخاب کردن یا انتخاب شدن (ق.ا.ر.ج.م.۳۶، ۳۵)؛ حق نمایندگی در مجلس خبرگان (آ.ا.ق.ا.م.خ.م.۹)؛ حق نمایندگی مجلس شورای اسلامی (ق.ا.م.ش.ا.م.۲۰)؛ حق شرکت در انتخابات شوراها (ق.ا.ا.ا.۱۰۰)؛ حق شرکت در انتخابات انجمن شهر (ق.ش.م.۹، ۸)؛ معاونت ریاست جمهوری (ق.م.م.۹۸۲)؛ عضویت در شورای نگهبان (ق.م.م.۹۸۲)؛ ریاست قوه قضائیه (ق.م.م.۹۸۲)؛ تصدی مشاغل قضایی (ق.ش.ا.ق.د.م.واحد)؛ وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری (ق.م.م.۹۸۲)؛ استخدام در وزارت امور خارجه (ق.م.م.۹۸۲)؛ داوطلبی یا احراز هر گونه مأموریت سیاسی و نیز پست و رسته سیاسی در وزارت خارجه (م.ت.ا.م.ا.و.خ.م.۵)؛ تصدی پست‌های مهم اطلاعاتی و امنیتی (ق.م.م.۹۸۲)؛ داوطلبی ورود به خدمت در مجلس شورای اسلامی (آ.ا.ک.م.ش.ا.م.۶)؛ تصدی عالیترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی (ق.م.م.۹۸۲)؛ عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی (ق.ا.ا.ا.۱۴۵؛ ق.ا.ا.م.۲)؛ داوطلبی و استخدام رسمی غیر نظامی ارتش (آ.ا.ک.غ.ن.ا.م.۴)؛ داوطلبی تصاحب امتیاز مطبوعاتی (ق.مطبوعات.م.۹)؛ عضویت در هیات منصفه در جرایم مطبوعاتی (ل.ق.م.م.۳۳)؛ ممنوعیت

دارندگان تابعیت اکتسابی ایران از تصدی سمت‌های حساس سیاسی و امنیتی طبق ماده ۹۸۲ ق.م. نظیر ریاست و معاونت جمهوری؛ عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه و غیره.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

خلاصه نتایج و یافته‌های این مطالعه، که از بررسی مطالب مختلف مطروحه در فوق حاصل گردیده، می‌توان به نکات ذیل اشاره کرده و در پایان پیشنهاداتی مطرح نمود: اولاً، علیرغم فقدان سابقه از واژه "شهروند" و حقوق شهروندی در قوانین اساسی، مدنی و حتی در تاریخ ادبیات حقوقی ایران، اکنون این اصطلاح به هر کیفیتی در حقوق ما حضور پیدا کرده و سونامی‌وار در قوانین، ادبیات حقوقی، سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های رسمی کاربرد دارد، در حالی که، متأسفانه، مفهوم و مصداق آن در رابطه با نهاد "تبعه و تابعیت" دارای ابهام و پیچیدگی است.

ثانیاً، از عوامل این پیچیدگی یکی فقدان تعریف رافع این ابهام در قوانین جدید، و دیگری ظاهراً واحد نبودن هدف تقنین در قوانین جدید از "شهروند" بوده، یعنی گاهی منظور از آن تبعه ایران، گاه دیگر اعم از اتباع ایران و خارجه، و بالاخره مطلق انسان می‌باشد. ثالثاً، برای رفع ابهام مذکور رجوع به منشأ آن، یعنی حقوق آمریکا و فرانسه، به سبب فقدان سنخیت حقوق آنها با حقوق ایران ثمره نداشت. لذا، به ناچار راه حل استفاده از روش نوآورانه تفسیر قوانین جدید به کمک دیگر قوانین جاری انتخاب شد؛

رابعاً، برای پیاده کردن این روش، نخست، کل سکنه یا شهروندان ایران به چهار گروه مجزا تحت عناوین "شهروند ملی"، "شهروند فراملی"، "شهروند محلی" و "شهروند فراملی" تقسیم گردیدند. و بعد، به کمک پنج جدول جدا، حقوق مشترک و نیز مستقل گروه‌های چهارگانه با اشاره به مواد قانونی مرتبط تعیین شد.

نهایتاً، اهمیت و کاربرد روش تفسیر قانون به قانون مفهوم شهروند در این است که رفع ابهام از موارد جدید مبهم در قوانین از طریق مقایسه موارد مزبور با نمونه‌های مشابه آنها در جداول پنجگانه مذکور میسر می‌گردد، همان نقشی که "توصیفات" در علم تعارض قوانین ایفاء می‌کند.

به ملاحظه اینکه ترجمه صحیح کلمه تابعیت به انگلیسی فقط "nationality" می‌باشد، و استفاده از شهروند "citizenship" بجای آن از دید حقوقی دارای ابهام بوده و دعاوی و عواقب نامطلوب بین‌المللی را بر منافع ملی تحمیل می‌کند، لذا، بر مترجمین حقوقی و دولت‌مردان دست‌اندرکار در تهیه آیین‌نامه‌ها، متن معاهدات و دیگر قراردادهای بین‌المللی و نیز بر سازمان‌های دخیل در ترجمه رسمی اسناد بین‌المللی، توصیه بر اجتناب از استعمال کلمه شهروند و شهروندی (سیتیزن یا سیتیزنشیپ) بجای تبعه و تابعیت می‌گردد.

اختصارات قوانین مستند در بخش ۵

۱. آ.ا.ب.م.ا. = آیین‌نامه استخدامی بیمه مرکزی تهران
۲. آ.ا.ب. = آیین‌نامه استخدام پیمانی؛
۳. آ.ا.ح.ش. = آیین‌نامه احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی
۴. آ.ا.س.ب.ا. = آیین‌نامه استخدامی سازمان بیمه‌های اجتماعی
۵. آ.ا.ش.ت. = آیین‌نامه استخدامی شهردار تهران
۶. آ.ا.ق.ا.م.خ. = آیین‌نامه اجرایی قانون انتخاب مجلس خبرگان
۷. آ.ا.ک.غ.ن.ا. = آیین‌نامه استخدامی کارمندان غیر نظامی ارتش
۸. آ.ا.ک.م.ش.ا. = آیین‌نامه استخدامی کارگزاران/کارکنان مجلس شورای اسلامی
۹. آ.ا.م.ش.خ.ه.ک. = آیین‌نامه استخدامی مستخدمان شرکت خدمات هوایی کشور (آسمان)
۱۰. آ.ا.م.ه. = آیین‌نامه استخدامی مستخدمان هواپیمائی ج.ا.ا. (هما)
۱۱. آ.ا.ه.ع.د. = آیین‌نامه استخدام هیات علمی دانشگاه
۱۲. آ.ا.س.ش. = آیین‌نامه شرایط احراز سمت شهردار
۱۳. آ.ا.م.ح.ن. = آیین‌نامه موسسات حمل و نقل
۱۴. ق.آ.د.ک. = قانون آیین دادرسی کیفری
۱۵. ق.آ.د.م. = قانون آیین دادرسی مدنی
۱۶. ق.ا. = قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۷. ق.ا.آ.ح.ش. = قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی
۱۸. ق.ا.ا. = قانون استخدام ارتش ج.ا.ا.
۱۹. ق.ا.ر.ج. = قانون انتخابات ریاست جمهوری
۲۰. ق.ا.م.ش.ا. = قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی
۲۱. ق.پ.ب. = قانون پولی و بانکی کشور
۲۲. ق.ت.ا.ب. = قانون تاسیس اوراق بهادار
۲۳. ق.ت. = قانون تجارت
۲۴. ق.ث.ا.ا. = قانون ثبت اسناد و املاک
۲۵. ق.ث.ع.ا. = قانون ثبت علائم و اختراعات
۲۶. ق.د.ا.ر. = قانون دفاتر اسناد رسمی
۲۷. ق.د.ت.ب.ا. = قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران
۲۸. ق.ر.ا.غ.ا.خ. = قانون راجع به اموال غیر منقول اتباع خارجی
۲۹. ق.ر.د. = قانون راجع به دلالتی
۳۰. ق.ش. = قانون شهرداری
۳۱. ق.ش.ا.ق.د. = (ماده واحده) قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری

۳۲. ق.ک. = قانون کار
۳۳. ق.ک.ک.ر.د = قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری
۳۴. ق.م.ا. = قانون مجازات اسلامی
۳۵. ق.م. = قانون مدنی
۳۶. ق.مطبوعات = قانون مطبوعات
۳۷. ق.ه.م = قانون هیات منصفه
۳۸. ق.و. = قانون وکالت
۳۹. ل.ق.ا.ر. = لایحه قانونی استخدام رسمی
۴۰. ل.ق.ا.ک.و.د. = لایحه قانونی استقلال کانون وکلا دادگستری
۴۱. ل.ق.م. = لایحه قانونی مطبوعات
۴۲. م.ت.ا.م.ا.و.خ. = مقررات تشکیلاتی، استخدامی، مالی و انظباتی وزارت خارجه
۴۳. م.ا.ر. = مقررات استخدام رسمی
۴۴. ا. = اصل، اصول؛ ر.ک. = رجوع کنید به؛ ص. = صفحه، صفحات؛ م. = ماده، مواد.

کتاب‌نامه

- آل کجیاف، حسین، (۱۳۸۹)، «تابعیت در ایران و سایر کشورها»، تهران، انتشارات جنگل، چ. اول.
- ابراهیمی، سید نصراله (۱۳۸۳)، «حقوق بین الملل خصوصی»، تهران، نشر سمت.
- احمدی واستانی، عبدالغنی (۱۳۶۳)، «شرح مختصر بیانیه های الجزایر»، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی، تهران، شماره ۱، صص ۶۱-۹.
- الماسی، نجادعلی (۱۳۸۵)، «حقوق بین الملل خصوصی»، تهران، نشر میزان، چاپ ۴.
- خلیلیان، سیدخلیل (۱۳۸۲)، «دعای حقوقی ایران و آمریکا مطرح در دیوان دآوری لاهه»، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- دانش پژوه، مصطفی (۱۳۸۱)، «اسلام و حقوق بین الملل خصوصی (جلد اول: تابعیت و وضعیت بیگانگان)»، تهران، مرکز چاپ و انتشارات صحیفه وزارت امور خارجه، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- سروی مقدم، مصطفی، (۱۳۸۳)، «مروری بر تفاوت تابعیت، شهروندی و دیگر واژگان مشابه در حقوق ایران، بریتانیا، آمریکا، و فرانسه»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، تهران، دوره ۸، شماره ۳، (پیاپی ۳)، صص ۱۵-۱.
- سلجوقی، محمود (۱۳۷۷)، «حقوق بین الملل خصوصی - جلد دو: تعارض قوانین»، تهران، نشر دادگستر.

کاتبی، حسینعلی (۱۳۶۳)، «فرهنگ حقوق فرانسه - فارسی»، ج ۱، تهران، انتشارات گنج دانش.

کاظمی، سیدعلی (۱۳۸۸)، «حقوق شهروندی در قوانین و مقررات ایران، مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی»، مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، مرکز مطالعات حقوق بشر و انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه تهران، تهران، نشر گرایش، صص ۱۴۹-۱۱۳.

مصاحبه حقوق شهروندی چیست، (۱۳۸۲؟)، تهران، دو ماهنامه حقوق شهروندی، بیش شماره اول، مهر و آبان.

Campbell Black, Henry, (1979), «Black's Law Dictionary», West Publishing Co., ST. Paul Minn.

Clarke, Paul Barry, (1994), «Citizenship», London, Plotu Press.

Ford, Richard, (2001), «City - State and Citizenship», printed in Aleinikoff, Alexander & Klusmeyer, D., Editors, «Citizenship Today: Global Perspectives and Practices, Carnegie Endowment for Int'l Peace», Virginia, pp 212-215.

Gerhard Von Glahn, (1996), «Law Among Nations: An Introduction to Public International Law», 7th ed., MacMillan Publishing Company, Boston.

Judith, S. Levey, et al. (1987), «The Penguin Concise Columbia Encyclopedia», The Chaucer Press, UK.

Sorensen, M., [Editor], (1968), «Manual of Public International Law», London, Macmillan.

United States) Immigration and Nationality Act, 1952, U.S. Government Printing Office, Washington, 1969.

Walker, M. David, (1980), «The Oxford Companion to Law», Clarendon Press, Oxford.

Wihtol, de Wenden, Catherine, (1998), «Nationality Status and Foreign Minorities in France», printed in O'Leary, S.& Tiilikainen, T., «Citizenship and Nationality Status in the New Europe», London, Sweet & Maxwell, 1998, pp149 et seq.